

پیام مشترک کمیته مرکزی حزب توده ایران و کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به مردم ایران و جهان



شماره ۸۳ دوره هشتم  
سال دوم پنجشنبه ۱۲ تیر ۱۳۶۴  
بها ۲۰ ریال

## اعتراض علیه شکنجه و اعدام زندانیان سیاسی ایران را راساً سازیم!

بیکردهای پلیسی قرار دارند. اعتصابات و اعتراضات کارگری و اجتماعات مسالمت آمیز و راهپیمایی های مردم سرکوب می شود. مطبوعات مترقی را سال هاست تعطیل کرده اند. اعمال ستم بر اقلیت های ملی و مذهبی بیداد می کند. حکومت با ارتجاعی ترین روش ها زنان را مورد تحقیر و توهین قرار می دهد.  
دهها هزار نفر را به صرف پایبندی به عقایدی جز آنچه که مورد تایید رژیم حاکم است، به زندان افکنده اند. زندانیان سیاسی را در ایران مورد شکنجه های طولانی بقیه در ص ۲

با خشم و نفرت بیکران اعلام می کنیم که بار دیگر گروهی از اعضای رهبری و کادرهای مسئول سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) و حزب توده ایران همراه با عده باز هم بیشتری از فرزندان مبارز مردم زجر دیده و بلا کشیده ایران به حکم رژیم جمهوری اسلامی به جوخه اعدام سپرده و یا زیر شکنجه جان باخته اند.  
رژیم جمهوری اسلامی ایران حتی ابتدایی ترین حقوق و آزادی های سیاسی و اجتماعی مردم را وحشیانه لگد کوب می کند. در میهن ما تمام احزاب، سازمانها و هنر و فعالیت سیاسی و حتی سندیکایی زیر خشن ترین پیرامون رداکسیون جدید

## برنامه حزب کمونیست اتحاد شوروی: برنامه صلح و زندگی

طرح رداکسیون جدید برنامه حزب کمونیست اتحاد شوروی سند انکارناپذیر تکامل همه جانبه سوسیالیسم، حرکت آتی جامعه شوروی به سوی کمونیسم مبنای تسریع رشد اجتماعی - اقتصادی، مبارزه در راه صلح و پیشرفت اجتماعی است.  
در طرح رداکسیون جدید برنامه، اصل تداوم تئوریک و پراتیک سیاست حزب کمونیست اتحاد شوروی در نظر گرفته شده است. زندگی اصالت بقیه در ص ۵

مردم و حزب کمونیست اتحاد شوروی با دستاوردهای نوین در زمینه رشد مستمر جامعه سوسیالیستی و مبارزه پی گیر در راه نجات بشریت از فاجعه جنگ هسته ای، به پیشواز بیست و هفتمین کنگره خود می روند. بازتاب وصیت لنین را پیرامون وحدت وظایف ملی و انترناسیونالیستی در عملکرد حزب کمونیست اتحاد شوروی، در طرح رداکسیون جدید برنامه حزب به صراحت می توان مشاهده کرد.

## مبارزه علیه رژیم را باید سازمان داد

تشدید اختلاف ها میان جناح های گوناگون حاکمیت که منجر به تعیین چنانچه خیمینی در زمان حیات وی گردید بدون تردید نه تنها موجب حل اختلافات نخواهد شد، بلکه چنان که از اظهارات آذری قمی در مجلس شورای اسلامی پیداست به روبرویی بیش از پیش جناح ها خواهد انجامید. این از سویی و کوشش برخی از دست اندرکاران رژیم برای جلب حمایت توده ها از طریق طرح مجدد ضرورت تحقق خواست های زحمتکشان از سوی دیگر، نشانگر تزلزل پایه های رژیم <sup>پهراس</sup> از آینده است. این هراس زاینده تسریع روند روبگردانی توده های میلیونی خلق از نظام "ولایت فقیه" و تعمیق مرچه پیشتر ورطه میان خلق و حاکمیت ج.ا. است.

سردمداران رژیم تا کنون کوشیده اند با توسل به ترور و اختناق و شیوه های فاشیستی اداره مملکت از عصیان زحمتکشان جلوگیری کنند. سیستم ارعابی که رضایی فرمانده کل سپاه پاسداران به وجود آن رسماً اعتراف کرده، در موارد عدیده شهادت تام به سیستمی دارد که در موقع خود فاشیست های آلمان برای اداره جامعه بوجود آورده بودند. ناکفته پیداست که با سیستم ارعاب می توان برای مدت کوتاهی از اوج جنبش اعتراضی توده ها ممانعت به عمل آورد، اما نمی توان برای مدت طولانی بر مردمی که کارد به استخوانشان می رسد، حکومت کرد. تجربه همه کشورهای آسیا و آفریقا و آمریکای لاتین که در آنها رژیم های خودکامه و استبدادی حاکم بوده و هستند، موید این نظر است. همه این رژیم ها با وجود ارگان های سرکوبگر و با وجود حمایت امپریالیسم دیر یا زود به زباله دان تاریخ ریخته شده و پیا ریخته خواهند شد.

چنین است سیر قانونمند تاریخ در دوران گذار از سرمایه داری به سوسیالیسم، در دوران اوج نهضت های راهی بخش، ضد امپریالیستی و دمکراتیک. رژیم ج.ا. را نیز راه گریزی از این بقیه در ص ۲

## شرکت شورای ملی صلح ایران

### در اجلاس کمیته تدارک کنگره جهانی صلح

سازمان ملل متحد به اتفاق آرا سال ۱۹۸۶ رسال صلح اعلام کرده است.  
برای برگزاری این سال، از مدتی پیش سازمان های صلح و شخصیت های صلحدوست سراسر جهان در فعالیت اند. از جمله شورای جهانی صلح، در سال گذشته دو جلسه تدارکاتی برای برگزاری مراسم سال صلح تشکیل داد. آخرین جلسه تدارکاتی در ۱۴ تا ۱۶ دسامبر در کپنهاک تشکیل شد و اداره آن به عهده کمیته صلح دانمارک بود.

در این جلسه قریب دویست نفر از شخصیت های برجسته جنبش صلح جهانی، بعنوان نمایندگان سازمان های خود، یا بعنوان شخصیت منفرد شرکت داشتند و دربارہ نحوه برگزاری مراسم صلح، و از جمله تشکیل "کنگره جهانی صلح" در اکتبر ۱۹۸۶ کپنهاک مذاکرات مفصل انجام گرفت.  
بقیه در ص ۸

## بازهم درباره

### افشاگری سیاسی

اکنون ماه ها از انتشار بیانیه مشترک کمیته های مرکزی حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) پیرامون ضرورت سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و جایگزینی آن با یک آلترناتیو دمکراتیک گذشته است، با این وجود هنوز بحث هایی پیرامون این شعار و راه های تحقق آن انجام می گیرد. برخی از دوستان حزب، اعضا و هواداران آن بر این عقیده اند که این امر وظیفه محوری نیروهای انقلابی در میهن ماست و باید تمام نیرو را برای تحقق این هدف به خدمت گرفت. اما به غیر از این بحث هایی نیز پیرامون آنکه چگونه باید به این امر دست یافت در جریان است.

در بیانیه مشترک، راه های دستیابی به این هدف و تحقق شعار سرگونی مشخص شده و هیچکدام از شیوه های مبارزه مطلق نشده و انتخاب آن به شرایط مشخص لحظه موکول شده است. اما مسئله ای نیز که برجسته و نمایان شده این است که اولاً امر سرنگونی را باید در یک روند مبارزه سیاسی تدارک دید و ثانیاً این که رژیم جمهوری اسلامی بنابه ماهیت خونریز خود به سادگی بقیه در ص ۲

پیاموزیم، تبلیغ کنیم و سازمان دهیم  
در ص ۴

## پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی!

## پیام مشترک

## اعتراض علیه شکنجه و اعدام ۵۵

جسمانی و روانی قرار می‌دهند. در بسیاری موارد بدون هیچگونه محاکمه‌ای زندانیان به چوخه اعدام سپرده می‌شوند. در تمام موارد زندانیان از حق دفاع از خود و از حق داشتن وکیل مدافع محرومند. همه متهمین بلااستثنا مخفیانه محاکمه و محکوم می‌شوند. رژیم حتی از تحویل اجساد زندانیان و وصیت نامه‌های آنها، حتی از تأیید رسمی خبر اعدام‌ها هم اجتناب می‌کند. رژیم به زور و شکنجه‌های طاقت فرسا می‌کوشد زندانیان را وادار سازد عقاید خود را انکار و ایدئولوژی و سیاست ارتجاع حاکم را تأیید کنند. فقط طی ماه‌های اخیر صدها نفر به اتهام دفاع از صلح و دموکراسی، به اتهام دفاع از حقوق کارگران، دهقانان، زنان و اقلیت‌های مذهبی و به اتهام یابیندی به عقاید مارکسیستی اعدام شده‌اند. قطع نامه چهلمین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد درباره نقض حقوق بشر توسط جمهوری اسلامی ایران نمونه‌ای از اعتراض جهانی علیه گسترش تبهکاری‌های رژیم ایران است.

ما با انزجار عمیق این رفتار فجیع و چنایتکارانه با زندانیان سیاسی را محکوم می‌کنیم. ما این چنایات را با تشدید مبارزه علیه سرکوب و سستی که بر خلق ما تحمیل شده

## رفقای فدایی محمد رضا غبرایی و جهانگیر بهتاجی اعدام شدند

سازمان در سال‌های پایانی دهه چهل آغاز کرد. در سال ۵۰ توسط مزدوران شاه - ساواک دستگیر و به ۴ سال زندان محکوم شد و از سال ۵۴، پس از آزادی از زندان فعالیت خود را بی گرفت. وی در تمام دوران فعالیت انقلابی خود همواره به آرمان‌های زحمتکشان وفادار ماند و تا هنگام مرگ از مواضع سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) دفاع کرد.

رفیق جهانگیر بهتاجی مسئول انتشارات سازمان بود که در سال ۶۱ دستگیر شد. شکنجه گران چ. ا. برای ردیابی سلول‌های انتشاراتی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) رفیق جهانگیر بهتاجی را تحت شدیدترین شکنجه‌ها قرار دادند و بالاخره او را نیز به چوخه اعدام سپردند.

ما ضمن محکوم کردن اعدام رفقای فدائی، غبرائی و بهتاجی، از همه نیروهای انقلابی می‌خواهیم که برای نجات جان زندانیان سیاسی درهند متحد و یکپارچه مبارزه کنند.

سپاسی به خودی خود یکی از وسایل قدرتمند متلاشی ساختن رژیم متخاصم، یکی از وسایل چندانموند متفقین تصادفی با موقتی از دشمن ربکی از وسایل کاشتن تخم نفاق و عدم اعتماد بین شرکت کنندگان دائمی حکومت مطلقه است. در زمان ما تنها حزبی می‌تواند پیشاهنگ نیروهای انقلابی گردد که بتواند موجهات افشاکری‌ها را واقعا دربرابر عامه مردم فراهم سازد" (جلد اول، قسمت اول، صفحه ۲۶۰، منتخبات به فارسی).

پاید به توده‌های مردم و نیروهای دیگر نشان داد که:

۱- ماهیت رژیم و عملکرد آن چیست و سیاست آن، کشور را به کدام سوی می‌برد.

۲- برای مقابله با این سیاست و این رژیم چه وظیفه‌ای درمقابل تک تک ما قرار دارد. و این تنها ناظر بر وظایف مادرمرحله کنونی است و ترویج و توضیح سیاست ما نسبت به آینده جامعه و رژیم که باید جایگزین رژیم موجود گردد بخش دیگری از وظایف ما را تشکیل می‌دهد که اکنون مورد بحث ما نیست.

اشتهای در درک ضرورت ادامه افشاکری سیاسی به این علت صورت می‌گیرد که آنرا از شعار محوری کنونی یعنی ضرورت سرنگون ساختن رژیم جمهوری اسلامی جدا می‌کنند و درمقابل آن قرار می‌دهند.

افشاکری سیاسی گامی است در جهت سرنگونی رژیم و یکی از وسایل آن است. یک حرکت سیاسی افشاکرانه بی شک رژیم را سرنگون نخواهد کرد، اما مطمئنا ما را یک گام به آن نزدیک خواهد ساخت. اگر ما می‌گوئیم که ما برای سرنگونی رژیم مبارزه مسلحانه را مطلق نمی‌کنیم و برای مبارزه سیاسی نیز اهمیت جدی قائلیم، منظور ما بقیه در ص ۸

نماینده کمی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در اروپا با انتشار بیانیه مطبوعاتی اعلام کرد که رفقا محمد رضا غبرائی عضو مشاور هیئت سیاسی کمیته مرکزی و جهانگیر بهتاجی مسئول انتشارات سازمان اعدام شده‌اند. رفیق غبرائی مدیر مسئول نشریه کار ارگان مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در اسفندماه سال ۶۰ هنگام توقیف نشریه "کار" دستگیر و پس از تحمل شکنجه‌های بسیار سرانجام توسط رژیم ددمنش چ. ا. به چوخه اعدام سپرده شد. وی مبارزه انقلابی خود را با هسته‌های اولیه

است، پاسخ می‌گوئیم. ما از همه احزاب و سازمان‌های ترقی خواه و مدافع حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی دعوت می‌کنیم تمام امکانات خود را برای جلوگیری از کشتار زندانیان سیاسی ایران بکار گیرند. ما از همه مردم میهن دعوت می‌کنیم صدای اعتراض علیه ترور و اختناق علیه شکنجه و اعدام را رساتر سازند.

## کمیته مرکزی حزب توده ایران

## کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

۱۳۶۴ آذرماه ۲۸

پیاموده شود. وظیفه نیروهای انقلابی است که به توده‌های مردم نشان دهند که تنها راه نجات و برون رفت از بحران، مبارزه برای ساقط کردن رژیم موجود و فراتر از آن استقرار رژیمی است که به خواست‌های آنان جامعه عمل پوشاند. نیروهای انقلابی وظیفه دارند خود و توده‌ها را برای وارد آوردن ضربه نهایی به رژیمی که درحال پوسیدن است تجهیز کنند.

نیروهای انقلابی وظیفه دارند تا با کار صبورانه سیاسی، طیف نیروهای مخالف رژیم را انبوه‌تر سازند و از هر نیرویی که از لحاظ عینی در مقابل رژیم قرار دارد و آماده است با دیگر نیروهای انقلابی برای سرنگونی رژیم همکاری نماید، استفاده کنند. انبوه‌تر ساختن صف نیروهای اپوزیسیون و گسترش طیف اقشار و طبقات شرکت کننده در آن یک روی سکه‌ای است که روی دیگر آن کوشش برای ایجاد تشتت در صف مدافعان رژیم، جدا کردن تمام آن نیروهایی که به رژیم با تردید نگاه می‌کنند و بالاخره تلاش برای تضعیف جبهه مقابل است. بدون افشاکری سیاسی چگونه می‌توان به این مهم دست یافت؟ نلین می‌گفت:

"افشاکری سیاسی اعلان جنگ به حکومت است و هر قدر این اقدامات افشاکرانه پیرامنده‌تر و شدیدتر باشد و هر قدر آن طبقه اجتماعی که اعلان جنگ می‌دهد تا شروع به جنگ نماید پرجمعیت‌تر و مصمم‌تر باشد، به همان نسبت نیز این اعلان جنگ اهمیت معنوی بیشتری کسب می‌نماید. بنابراین افشاکری‌های

## بازهم درباره افشاکری ۵۵۵

تسلیم اراده خلق نخواهد شد و بدین علت راه قهرآمیز و حتی مسلحانه مبارزه محتمل‌ترین شیوه مبارزه خواهد بود که رژیم به مبارزان تحمیل خواهد کرد.

روند تدارک سرنگونی رژیم روندی است که از اجزای خود، گام‌های کوتاه و بلند، حرکات تند و آرام و بالاخره ضربه نهایی را شامل می‌شود. ما، پیروان مارکسیسم - لنینیسم درباره انقلاب، با تکیه بر تجارب تاریخی عقیده داریم که انقلاب کار توده‌های میلیونی مردم است و گروه جدا از توده، اگرچه در خدمت توده‌ها، نمی‌تواند با دورزدن مردم این وظیفه را به تنهایی به انجام رساند. آماده کردن توده‌ها از عوامل ضرور تدارک و تحقق امر سرنگونی هر رژیمی است. این حکم اغلب مورد توجه کافی مبارزان واقع‌نمی‌شود. آنان می‌گویند: "شعار سرنگونی که هست پس آستین بالا بزنیم و رژیم را سرنگون کنیم. حرف‌های دیگر وقتش گذشته است. رژیم افشاکر است و فقط کافی است ضربه‌ای به آن وارد آید". چگونه باید رژیم را سرنگون کرد؟ آیا اراده ما برای چنین امر بزرگی کافی است. آیا همه شرایط عینی و ذهنی فراهم است؟ آیا توده‌های خلق، به ویژه زحمتکشان شهر و روستا به ماهیت رژیم پی برده‌اند و اگر پاسخ مثبت است آیا آماده‌اند در مبارزه‌ای برای سرنگونی رژیم شرکت کنند؟ بین شناخت ماهیت رژیم و آمادگی برای سرنگونی آن هنوز راهی است که باید

## مبارزه علیه رژیم . . .

سرنوشت محتوم نیست. اینکه رژیم "ولایت فقیه" باید سرنگون گردد جای تردیدی نیست. این خواست اکثریت قاطع اهالی کشور ما است. ولی خواست سرنگونی رژیم هنوز به معنی امکان تحقق آن نیست. تحقق شعار سرنگونی رژیم نیاز به مبارزه، آن هم مبارزه آگاهانه، سازمان یافته و قاطع دارد. برای دستیابی به این هدف مهمترین مسئله، عوامل داخلی و در وهله نخست تناسب نیروها و آرایش آنها در جامعه است. در جامعه ما دوی نیرو رودر روی هم قرار دارند: نیروهای ضدانقلابی و انقلابی.

نیروهای ضدانقلابی و ارتجاعی در جامعه ما عبارتند از هیئت حاکمه کنونی، یعنی آنانی که در هرم حاکمیت قرار دارند و مبتکر و مجری سیاست ضددمکراتیک و ضد خلقی در کشور ما هستند و نیروهایی که زیر پوشش اپوزیسیون از موضع ارتجاعی به قصد احیاء سیادت از دست رفته خود با رژیم مخالفت می کنند. ما به این دلیل این دو گروه را در کنار هم قرار می دهیم که هر دو دارای خصلت ارتجاعی، ضددمکراتیک و ضد خلقی بوده هستند.

نیروهای به اصطلاح اپوزیسیونی که از موضع ارتجاعی با رژیم حاکم درافتاده اند جز بقایای رژیم ضد ملی و ضد دمکراتیک شاه مخلوع نیستند که امروز زیر پوشش استقرار نظام سلطنت مشروطه عمل می کنند. از علی امینی عامل سرشناس انحصارهای بین المللی نفت، وزیر دارایی دولت کودتا و امضاء کننده قرارداد اسارتبار با کنسرسیوم بین المللی نفت گرفته تا شاپور بختیار نخست وزیر سابق برگزیده واشنگتن که چند صباحی مجری بی اراده اوامر هوپزر ژنرال آمریکایی بود و نیز برخی دیگر از عوامل سرشناس "سیا" در این گروه جای دارند.

این گروه با طرح شعار "سلطنت مشروطه" در واقع در صدد احیاء مجدد رژیم ساواکی و دست نشاندۀ امپریالیسم در کشور است. مردم ایران این نظام چابک را که در گذشته نیز "سلطنت مشروطه" نامیده می شد، یکبار در دوران رضاخان و بار دیگر در ایام سلطنت پسر او آزموده اند. مردم میهن ما این به اصطلاح ملی گرایان را که امروز درباره آزادی و دمکراسی اشک تمساح می ریزند و زمانی که حاکمیت را بدست داشتند میلیونها ایرانی را از ابتدایی ترین حقوق و آزادی محروم و کشور را به زندان ایرانی ها تبدیل کرده بودند، بخوبی می شناسند و نیازی به آزمایش مجدد آنها نیست. زحمتکشان کشور ما به درستی می گویند که آزموده را آزمودن خطا است.

آنچه مربوط به گردانندگان اصلی اهرم های کنونی کشور می شود، آنها نیز به تدریج پا در جای پای رژیم مغفور گذاشته گذاردند و همان شیوه های آزادی کشی و ترور و اختناق را به دست بازماندگان ساواک و دست پروردگان آنها در پیش گرفتند و بدینسان نشان دادند که سگ زرد برادر شغال است.

در اواخر آذرماه سال جاری رفسنجانی در خطبه نماز جمعه با اشاره به نامه یکی از "شخصیت" های ایرانی در خارج درباره آجازه بازگشت به ایران اظهار داشت: "ما هیچ وقت ننکفته ایم اینها بروند، خوب بیایند". وی برای اینکه جای تردیدی در معیاری ج.ا. با "شخصیت" های رژیم سرنگون شده باقی نگذارد اعتراف چالشی کرد و گفت: "این ساواکی هایی که ما اینقدر طرفشان بودیم، حالا کی از اینها در زندان است؟ این شرایطی است که برای اینها پیش آمده است".

تا کنون هیچ یک از سردمداران رژیم این چنین گویا ماهیت نظام "ولایت فقیه" را افشاء نکرده بود. آری رژیم جنایت پیشه ج.ا. در حالی که زندانها را انباشته از هزاران میهن پرست کرده، میهن فروشان را آزادی می گذارد و بدینسان تراژدی تاریخ بار دیگر تکرار می شود. هیچ وجه تصادفی نیست که ارتجاع فراری در صدد اتحاد و همپیوندی با ارتجاع حاکم است.

در مقابل این گروه های ضدانقلابی نیروهای انقلابی و مترقی و ضد امپریالیستی و مردمی قرار دارند که وظیفه خطیر سرنگون کردن رژیم را به عهده دارند و بطور عمده کارگران، دهقانان، روشنفکران میهن دوست، دانشجویان مبارز، خرده بورژوازی شهری و غیره را در برمی گیرند.

بورژوازی لیبرال بار دیگر در عمل به ثبوت رساند که طرفدار ناپییگیر، متزلزل و چپون انقلاب ملی و دمکراتیک است و تا آنجا به دمکراتیزه کردن نهادهای دولتی و اجتماعی تن در می دهد که با منافع غارتگرانه اش در اصطکاک قرار نگیرد.

آنچه حائز اهمیت است، مردم به معنی کارگران و دهقانان و دیگر زحمتکشان شهر و روستا هستند. در این میان پرولتاریای صنعتی که متأسفانه تعداد آن در کشور اندک است، تنها نیرویی است که در صورت شرایط متناسب قادر است با اطمینان تا هدف نهایی پیش رود و به مراتب از انقلاب ملی و دمکراتیک پارا فراتر نهد.

پوشیده نیست که اکثر اردوی چند میلیونی کارگران هنوز تحت تاثیر بورژوازی و بورژوا خرده بورژوازی هستند. از سوی دیگر طبقه کارگر کشور ما دارای شکل و انسجام و وحدت درونی نیست که بتواند از نیروی عظیم خویش در ایجاد تحول عمیق و بنیادی در جامعه بهره بگیرد.

درست به همین سبب وظیفه بزرگی در کلیه این زمینه ها به عهده اعضا و هواداران حزب توده ایران به مثابه یگانه حزب طراز نوین طبقه کارگر ایران قرار دارد. وظیفه ما است تا با هرگونه مظاهر تاثیر خرده بورژوازی میان کارگران با شدت مبارزه کنیم. البته این مبارزه بدان معنی نیست که باید طبقه کارگر را علیه خرده بورژوازی برانگیخت و به رویاری با آن سوق داد. در شرایط مشخص - تاریخی کشور ما خرده بورژوازی متحد طبقه کارگر است. وظیفه ما عبارت است از تأمین و حفظ استقلال اندیشه

نظری - سیاسی طبقه کارگر، واقف کردن آن به نقش و رسالت تاریخی خود و بالاخره آشنا ساختن کارگران با سوسیالیسم.

این نیز مسلم است که طبقه کارگر وقتی به منافع طبقاتی و وظایف تاریخی خود عمیقاً پی خواهد برد که آگاهانه در حزب پیشروی طبقه کارگر - حزب توده ایران متشکل گردد و مارکسیسم - لنینیسم را به عنوان ایدئولوژی خود قبول کند. این یکی از وظایف سترگ تاریخی حزب ما است. همه اعضا و هواداران و کلیه هسته های حزبی باید در اجرای این وظیفه از طریق تبلیغ نظرات و برنامه های حزب بکوشند و از کلیه امکانات برای تأمین وحدت و یگانگی کارگران استفاده کنند. بنابراین کار در بین کارگران در مرکز فعالیت هسته های حزبی قرار می گیرد.

عرصه های دیگر کار هسته های حزبی و همه اعضا و هواداران حزب که هنوز در هسته ها متشکل نشده اند، کار میان دهقانان محروم، یعنی دهقانان کم زمین و بی زمین است. این گروه عظیم از دهقانان در راه سلب مالکیت از بزرگ مالکان و اصلاحات ارضی رادیکال مبارزه می کنند. نباید فراموش کرد که دهقانان محروم در این چارچوب فقط با اصل مالکیت بزرگ مخالف هستند، نه مالکیت بطور اعم. لذا آنها می توانند هوادار برنامه جمهوری ملی و دمکراتیک باشند. کار میان دهقانان باید طوری سازمان داده شود که آنها درک کنند که در شرایط مشخص کنونی کشور ما فقط یک حکومت واقعا ملی و دمکراتیک قادر است به اصلاحات ارضی مورد نظر آنها تحقق بخشد و به نیازهای آنها در زمینه های آب و بذر و کود و تکنیک کشاورزی، اعتبارات مالی و... پاسخ گوید. باید آنها درک کنند که منظور ما از اصلاحات بنیادی پایان دادن به فقر و فلاکت و بردگی و اسارت آنها است. به بیان دیگر هدف بهبود هرچه بیشتر شرایط زندگی آنها در چارچوب حکومت ملی و دمکراتیک است. دهقانان باید بدانند که دمکراتیزه کردن نهادهای دولتی پاسخگویی منافع حیاتی آنها است و این نیز در گرو اتحاد دهقانان و کارگران است. فقط در این صورت است که آنها آگاهانه و قاطعانه کام در عرصه مبارزه ضد رژیم به قصد سرنگونی آن خواهند گذارد.

اگر ما بتوانیم با استفاده از تجربه گذشته اهداف برنامه ای خود را به میان کارگران و دهقانان بپیریم می توان با قاطعیت گفت که در مبارزه پیروز خواهیم شد. بدون شک اگر تجربه عظیم کارگران و دهقانان در جریان انقلاب بهمن ۵۷ و سال های بعد از پیروزی نمی بود، این روندی می بود دراز مدت. ولی زحمتکشان ما تجربه بزرگی را پشت سر دارند. کارگران و دهقانان امروزین ایران، زحمتکشان دهسال پیش نیستند.

نتیجه ای که می توان گرفت روشن است. برای پیروزی بر رژیم ج.ا. و مقابله با ضدانقلاب در کسوت اپوزیسیون ارتجاعی باید با تمام قوا در راه روشنگری کارگران و دهقانان محروم و بقیه در ص ۶

## پیام وزیم، تبلیغ کنیم و سازمان دهیم

مشاربه

رفقا و هسته‌های حزبی داخل کشور!

در شرایط کنونی که هسته‌های حزبی در داخل کشور رشد و قوام می‌یابند، رفقا باید هم روند با ارتقاء فعالیت خود چه از نظر کمی و چه از نظر کیفی، به هیچ رو از شدت مراقبت‌های امنیتی خود نکامند.

هم زمان با اوچکبری ناخشنودی و اعتراض توده‌های مردم و فراهم شدن زمینه برای گسترش هرچه بیشتر دامنه فعالیت رفقای توده‌ای و هسته‌های متشکل حزبی، نهادهای جاسوسی و سرکوب رژیم نیز بیش از پیش از هر جهت خود را برای وارد ساختن ضربه‌های سنگین بر پیکر نیروهای انقلابی آماده می‌کنند.

وزارت اطلاعات ("ساواجا")، که نتیجه ادغام نهادهای اطلاعاتی ویژه سپاه و کمیته و بخش‌هایی از "ساواک" شاه - که در سال‌های پس از انقلاب زیر نظر کارگزاران رژیم به فعالیت خود علیه نیروهای انقلابی ادامه دادند - اکنون به تشکیلات خود سروسامان بخشیده است. "ساواجا" با به کارگیری هزاران تن از اعضای سپاه و بسیج و کمیته‌ها و همچنین جمعی از مزدوران ساواک و سازماندهی شبکه وسیع خهرگیری و تعقیب و پیگرد بمنظور شناسایی و شکار فعالان انقلابی سرگرم است. به ویژه تیم‌های تعقیب و مراقبت "ساواجا" با استفاده از وسایل و تجهیزات مدرن و تجربه مزدوران ساواک تلاش می‌ورزند حضور خود را به اشکال و شیوه‌های گوناگون در سراسر جامعه گسترش دهند.

"ساواجا" هرچندی یکبار برای بستن چشم نیروهای انقلابی و میدان بازکردن برای خارج شدن آنها از زندگی مخفی دست به مانورهای گوناگون همانند کاهش تعداد گشت‌های نام و نشان دار خیابانی خود می‌زند. هدف از این اقدام جز ایجاد خوش بینی در فعالان سازمان‌های انقلابی و کشاندن آنها به راه عدم رعایت همه جانبه و پیرواس اصول فعالیت در شرایط ترور و اختناق نیست. "ساواجا" از این راه می‌خواهد اعضای سازمان‌های انقلابی و از جمله به ویژه اعضای حزب توده ایران را شناسایی کند و در لحظه مناسب، یورش دیگری را بر ضد آنها به اجرا گذارد.

هیچ یک از اعضای هسته‌های حزبی نباید یک لحظه از یاد ببرند که پلیس سیاسی دشمن با تمام توان برای دستیابی به کانون‌های فعالیت عناصر انقلابی کوشش می‌کند. از این رو آگاهی و هشیاری را نباید از دست داد و در حفظ خود از گزند دشمن نباید کوتاهی کرد. بایستی توجه داشت که عدم رعایت جدی و دقیق اصول و نکات امنیتی و کم بهام دادن به حفظ خود

در نهایت به معنای کم بهام دادن به ادامه کار، پرخطر انقلابی هسته‌است و افزایش خطر ضربه‌پذیری و پاشیدن هسته را در بطن خود دارد. هرگز نباید این یا آن مانور و عقب نشینی دستگاه پلیس و نهادهای سرکوبگر ما را از پیگیری و رعایت اصول فعالیت و مبارزه در شرایط پنهانی غافل سازد.

در اینجا باید خاطر نشان سازیم که همه این زمینه‌چینی‌ها و چاره‌جویی‌های رژیم صرفاً برخاسته از ضعف و زبونی و هراس است، نه قدرت. رژیم دیکتاتوری با دستگاه‌های عظیم پلیسی خود هیچگاه از نظر خلاقیت و نوآوری به گرد پای پیکارگران مومن راه خلق نمی‌رسد و نخواهد رسید. زیرا شور شعور انقلابی راهبر و انگیزه بخش فرزندان مبارز خلق است.

رفقا! با رعایت اصول پنهانکاری نقشه‌های شوم دشمن را نقش بر آب کنید! از حالت آماده‌باش خارج نشوید! پیروزی نهایی و برتری معنوی همواره با ماست!

**\* اگر دورلیق با هم برای پخش قرار می‌گذارند، رعایت موارد زیر ضروریست:**

- قرار بطور کلی و قرار برای پخش اعلامیه بطور مشخص و ویژه، نباید در راس ساعت یا مثلاً ۱۲، ۸، ۷ و یا هر ساعت دیگر برگزار شود.

- در پخش دونفره، بهتر است یک رفیق مسئولیت نگهداری اعلامیه‌ها و رفیق دیگر مسئولیت پخش را بعهده بگیرد. وظیفه رفیق اول نگهداری و حمل همه اعلامیه‌ها و زیر نظر داشتن محیط و روند کار پخش و وظیفه رفیق دیگر صرفاً پخش اعلامیه است. رفیق اول در صورت بروز حوادث احتمالی باید رفیق در حال پخش را بطور غیرمستقیم و با استفاده از علائم قبلی از خطر آگاه کند. ارتباط این دورلیق در حین پخش بدینگونه است که رفیق پخش‌کننده با احتیاط کامل و به تدریج برگ‌هایی از اعلامیه را از رفیق دیگر دریافت و آنها را پخش می‌کند.

- در پخش دونفره از موتور سیکلت‌های تیزروم می‌توان استفاده‌های زیادی کرد.

**\* در روزهای تعطیل رسمی بخاطر کمی تردد مردم و یا روزهایی که به مناسبتی ویژه (همانند جمعه‌ها، اعیاد، مراسم سوگواری، اجتماعات و تظاهرات) چهره شهر بخاطر آماده‌باش بسیج و سپاه و کمیته و دیگر عوامل سرکوب رژیم حالت غیرعادی به خود می‌گیرد، بجز در موارد خاص از برگزاری قرار و حمل و نقل اعلامیه و پخش آن بهتر است خودداری شود.**

**\* هدف و کانون فعالیت ما در بین طبقه کارگر است. باید شاخه‌ها و هسته‌های حزبی تلاش ورزند با شناسایی دقیق کارخانه‌ها و زمان فعالیت رفت و آمد اتوبوس‌های سرویس آنها،**

در فرصت‌های مناسب داخل کارخانه یا اتوبوس - قبل از سوار شدن کارگران - و یا هر جای مناسب دیگر - اقدام به پخش کنند.

\* بعد از پایان کار پخش و پاک کردن همه ردها، بدنیت رفیقی برای بررسی نتایج اولیه و واکنش اهالی محل پخش اعلامیه اعزام شود.

\* پس از پایان یافتن کامل کار پخش، رفقای مسئول بایستی به واری وضع هسته و یا شاخه بپردازند و در درجه نخست از سلامت رفقا و در مرحله بعد، چگونگی انجام مراحل گوناگون امر پخش خبر بگیرند و سرانجام یک جمع بندی از پیامدها و تجربه‌ای کار و درجه اثربخشی آن به عمل آورند.

تیپ سازی

یکی از نکاتی که مبارزان انقلابی در زندگی و فعالیت مخفی باید رعایت کنند تا در صدمه‌پذیری را کاهش دهند تیپ سازی است. اگر عنصر انقلابی با مهارت از حربه تیپ سازی بهره جویی کند تا حدود زیادی در رفت و آمدهای خود، از گزند پلیس در امان خواهد ماند. تاریخ نشان داده است که تیپ سازی‌های خوب بارها باعث نجات انقلابیون از تور تعقیب و پیگرد دشمن شده و میوه‌های شیرینی بهار آورده است. مثلاً لنین در لباس یک آشکار قطار از روسیه خارج شد و با دولورس ایباروری، کمونیست بنام اسپانیایی، در لباس یک زن شیک و آراسته توانست از دام پلیس‌های بی‌باید.

تیپ سازی در کشور ما بخاطر وجود نهادهای گوناگون جاسوسی، گشت‌های مختلف نام و نشان دار و بدون نام و نشان خیابانی و مراکز پرمشار بازرسی در چاده‌ها و گلگاه شهرها اهمیت ویژه‌ای می‌یابد. مبارزی که زندگی مخفی دارد باید بسته به شرایط و محیط کار یا زندگی تیپ خود را تغییر دهد و هم تیپ مردم محیط کار و زندگی خود شود. وقتی در میان مردم زندگی و مبارزه می‌کنید باید از نظر سرو وضع و قیافه (از جمله آرایش صورت و بویژه شکل سبیل و عینک و موها) با آنها هم‌رنگ باشید. پلیس سیاسی همیشه به دنبال تیپ‌های خاص می‌گردد. مثلاً بعنوان کارگر با عینک پستی و سرو لباس تروتیمیز و اطو کشیده در محیط‌های کارگری ظاهر شدن به خودی خود برای عناصر دشمن غیر طبیعی و شک برانگیز است. یاد بازرسی‌های خیابانی پاسداران بیشتر به کفش ورزشی و کاپشن‌های سبک، سبیل شارپ‌دار و عینک حساسیت نشان می‌دهند.

تیپ سازی لزوماً با محل داری و یا توجیه‌تراشی پیوند می‌یابد. محل داری یعنی اینکه هر تیپ باید برای حضور و وجود خود بقیه در ص

**پخش و تکثیر "نامه مردم" در داخل کشور وظیفه هر عضو و هوادار حزب است!**

## برنامه حزب کمونیست

برنامه موجود حزب را به ثبوت رساند. دستاوردهای عظیم اتحاد شوروی در ربع قرن اخیر در کلیه عرصه‌های ساختمان کمونیسم موید این نظر است.

مسئله تداوم تثویک در اهداف برنامه که در رداکسیون جدید در نظر گرفته شده، عبارت است از مسئله اصولیت و بی‌گیری بی‌خدا آن، صداقت به مارکسیسم - لنینیسم، مسئولیت در نتیجه گیری و ارزیابی. حزب کمونیست اتحاد شوروی از درک لنینی تداوم تبعیت می‌کند که جز فناء تئوری و سیاست و حرکت بی‌وقفه به پیش نهوده نمی‌تواند باشد.

در مقدمه طرح رداکسیون جدید برنامه می‌خوانیم: "تجربه اندوخته شده و درک علمی تغییرات در زندگی داخلی کشور و در عرصه جهانی، امکان آن را فراهم آورده تا دورنمای رشد جامعه شوروی، طرق و وسایل دستیابی به هدف نهایی، یعنی کمونیسم و وظایف سیاست بین‌المللی در شرایط تاریخی جدید را به طور دقیق و مشخص تعیین کرد."

در طرح رداکسیون جدید برنامه ویژه خاطر نشان می‌شود که میان سوسیالیسم و کمونیسم مرز چشمگیری وجود ندارد و آنها دو فاز متوالی صورت‌بندی واحد کمونیستی بشمار می‌روند. تحکیم بیش از پیش سوسیالیسم، ابداع هرچه کامل تر امکانات و برتری آن به معنی حرکت واقعی به سوی کمونیسم است. فرارویی سوسیالیسم به کمونیسم از طریق قوانین عینی رشد جامعه تعیین می‌شود. در اینجا نه کوشش برای جهش به پیش و نه تامل در اجرای تحولات و حل مسایل جدیدی که موعد آنها رسیده، جایز نیست.

در طرح رداکسیون جدید برنامه حزب کمونیست اتحاد شوروی گفته می‌شود: "کارمدارم مردم شوروی، دستاوردهای سترگ در اقتصاد و نیز در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی، دانش و فرهنگ، کشور ما را به مرز تاریخی جدید، یعنی مرحله سوسیالیسم پیشرفته رساند. وظیفه رشد همه جانبه جامعه سوسیالیستی و استفاده کامل و سودمند امکانات و برتری‌های آن در دستور روز قرار گرفت."

طرح رداکسیون جدید اهمیت فوق العاده‌ای به عرصه تعیین کننده فعالیت انسان، یعنی اقتصاد می‌دهد. هدف در این زمینه بهره‌گیری کامل از دستاوردهای علمی - فنی برای ارتقاء سطح زندگی مردم و رشد همه جانبه انسان و تحکیم قدرت اقتصادی و دفاعی شوروی است. در پایان سال ۲۰۰۰ پتانسیل تولیدی کشور با توجه به تغییر کیفی، دو برابر افزایش خواهد یافت.

توسعه سیستم سیاسی جامعه شوروی یکی دیگر از اهداف طرح رداکسیون جدید برنامه است. در طرح گفته می‌شود: "حزب کمونیست اتحاد شوروی بر آن است که در مرحله معاصر، خط استراتژیک توسعه سیستم سیاسی جامعه عبارت است از تکامل دموکراسی شوروی، تحقق هرچه کاملتر خود

گردانی سوسیالیستی بر بنیان شرکت روزمره، فعال و موثر زحمتکشان و سازمان‌های آنها در حل مسایل زندگی دولت و جامعه است."

نیروی پیشرو در این روند، حزب کمونیست اتحاد شوروی یعنی هسته مرکزی سیستم سیاسی جامعه شوروی است و تمام اجزاء سیستم از آنجمله دولت، اتحادیه‌های کارگری، کامسامل، تعاونی‌ها و دیگر سازمانهای اجتماعی تحت رهبری آن عمل می‌کنند.

وسعت، ژرفا و پهنی وظایف، هم در عرصه داخلی و هم در عرصه بین‌المللی مسئولیت بزرگی به عهده رهبری حزب می‌گذارد که این نیز مستلزم برخورد جدید به کار حزبی است. هدف از تغییراتی که در اساسنامه حزب کمونیست اتحاد شوروی به عمل آمده، انطباق آن با مسایل مطروحه در برنامه است. این دو سند - برنامه و اساسنامه - دارای ارتباط مستقیم و ناگسستگی است. فقط از این طریق است که پایه وحدت نظری و سازمانی حزب، وحدت تئوری و پراتیک تامین می‌شود.

حزب کمونیست اتحاد شوروی راه پرافتخاری را طی کرده است. گستره وظایف سازندگی و پهنی آنها مسئولیت حزب در برابر جامعه و خلق را دوچندان افزایش می‌دهد.

حزب کمونیست اتحاد شوروی در تعیین سمت کار ایدئولوژیکی از نیروی لایزال و موثر ایدئولوژی مارکسیسم - لنینیسم الهام می‌گیرد که هدف آن تسریع رشد اجتماعی - اقتصادی کشور است. خواست موهکد در زمینه کار سیاسی - تربیتی عبارت است از وحدت گفتار و کردار که اهم اصل مجموعه فعالیت حزب و دولت است. برنامه‌های حزب در عرصه‌های آموزش، علم، فرهنگ، ادبیات و هنر نیز از این اصل نشأت می‌گیرند.

## \*\*\*

طرح رداکسیون جدید برنامه به خصلت و مضمون اساسی دوران اهمیت ویژه‌ای می‌دهد. روند رشد جهانی حقانیت تحلیل مارکسیستی - لنینیستی خصلت و مضمون اساسی دوران ما را به ثبوت می‌رساند. دوران گذار از سرمایه‌داری به سوسیالیسم، دوران مسابقه تاریخی دو سیستم اجتماعی و سیاسی جهانی، دوران انقلاب‌های سوسیالیستی و رهایی بخش ملی، دوران ناپودی استعمار، دوران مبارزه نیروی عمده محرکه رشد اجتماعی یعنی سوسیالیسم جهانی، نهضت کارگری و کمونیستی، نهضت خلق‌های کشورهای آزاد شده، نهضت‌های دمکراتیک توده‌ای علیه امپریالیسم و سیاست تجاوزکارانه و غارتگرانه آن و در راه دمکراسی و پیشرفت اجتماعی است. طرح رداکسیون جدید برنامه ارزیابی واقعی از تناسب و آرایش نیروها در جهان بعمل می‌آورد و جهات اساسی رشد جهانی را ترسیم می‌کند.

رفیق گورباچف به هنگام سخنرانی در پلنوم کمیته مرکزی پیرامون برنامه اظهار داشت: "ما درباره اهداف سیاست بین‌المللی خود و طرق دستیابی به آنها آشکارا سخن می‌گوییم. بدین معنا سیاست ما کاملاً قابل پیش‌بینی و فاقد معما و

ابهام است. این سیاست بر اساس نظریه لنینی همزیستی مسالمت آمیز دو سیستم متضاد استوار است. ما بر آنیم که فقط سیاست ثابت و مطمئن لایق دولت و حزبی است که مسئولیت خود را در قبال سرنوشت صلح در عصر انباشته از اختلاف، درک می‌کند."

دولت شوروی از نخستین روز استقرار خود پیگیرانه در راه صلح و علیه هرگونه تجاوزکاری مبارزه کرده و می‌کند. در طرح رداکسیون جدید برنامه گفته می‌شود: "اتحاد شوروی با کوشش‌هایی که می‌خواهد با توسل به زور سیر تاریخ را متوقف ساخته و آن را به عقب بازگرداند، شدیداً مخالف است. منافع خلق ما طلب می‌کند تا مناسبات میان دولت‌ها به مجرای مسابقه صلح چوپانه و همکاری با حقوق برابر سوق داده شود."

قدرت و پرابی سیاست خارجی اتحاد شوروی در وحدت وظایف ملی و انترناسیونالیستی آن، در برخورد منطقی و انساندوستانه به معضل عمده معاصر، یعنی معضل جنگ و صلح است.

اگر سیاست نظامیگری و تجاوزکارانه محافل حاکمه آمریکا و دیگر دولتهای امپریالیستی با مقاومت سرسخت و به موقع اتحاد شوروی، جامعه کشورهای سوسیالیستی و مجموعه نیروهای صلح‌جوی جهان روبرو نمی‌شد، می‌توانست به پیروزی‌های فاجعه آمیز منجر گردد.

ریشه کارآیی و ثمربخشی سیاست خارجی اتحاد شوروی مطروحه در طرح رداکسیون جدید برنامه را باید در تحلیل همه جانبه و علمی معضلات جهانی و بررسی خلاق پدیده‌ها و روند پهنی و دائما در حال تغییر بین‌المللی پیکاری کرد. قدرت سیاست خارجی سوسیالیسم در حمایت کامل همه مردم شوروی از آن و پتانسیل اقتصادی و نظامی عظیمی است که در نتیجه کار و زحمت قهرمانانه مردم بوجود آمده است. اثربخشی این سیاست در خصلت‌های آن است، زیرا منعکس کننده منافع آن نیروهایی است که آینده به آنها تعلق دارد.

در حال حاضر جامعه کشورهای سوسیالیستی به چنان نیرویی تبدیل شده که حل هیچ یک از مسایل مهم جهانی، بدون شرکت آنها امکان پذیر نیست. جامعه کشورهای سوسیالیستی اهنکار پیکاری طرق حل معضلات مهم جهانی را بدست دارند. در سایه سیاست واقع بینانه و سازنده جامعه کشورهای سوسیالیستی است که بشریت طی چهل سال اخیر در شرایط صلح پسر می‌برد.

تحکیم روابط دوستی و برادرانه بین کشورهای سوسیالیستی، یکی دیگر از مسایل طرح شده در طرح رداکسیون جدید برنامه است. در این زمینه گفته می‌شود: "تحکیم همه جانبه دوستی، توسعه و تکمیل مناسبات اتحاد شوروی با جامعه کشورهای سوسیالیستی، مورد توجه ویژه حزب کمونیست اتحاد شوروی است."

در طرح به گسترش مناسبات اتحاد شوروی با کشورهای رشدیابنده نیز اهمیت زیادی داده می‌شود. اتحاد شوروی روابط خود را با این بقیه در ص ۶

## در حاشیه رویدادها

تهدید متقابل جناح های حاکمیت

آقای احمد آذری قمی نماینده معروف ( حامی دوآتشه کلان سرمایه داری و بزرگ مالکی) در سخنان پیش از دستور مجلس گفت: " متأسفانه در این اواخر و هم اکنون ... عده ای از نمایندگان ایجاد تفرقه بین مردم مسلمان و خوب ما می کنند و به مناسبت هفته وحدت، به این شهر و آن شهر می روند و کاغذ پراکنی می کنند و وحدت مردم را خدشه دار می کنند". وی سپس، به اظهارات برخی از نمایندگان علیه روزنامه " رسالت" اشاره کرد و افزود: " من از رئیس محترم مجلس می خواهم که به وظیفه خود در این رابطه عمل نمایند و الا جناح متشکل دیگر هم سکوت را خواهند شکست و آقایان را سر جای خود می نشانند". آنگاه آقای قمی خطاب به نمایندگان مخالف گفت: " مطمئن باشید که حوزه علمیه را نمی توانید به دنبال خود بکشانید. مطمئن باشید که سکوت بی موقع هم ظلم است... این اخطار را جدی بگیرید و... وحدت این ملت بزرگ را، با افترا و تهمت، خدشه دار نکنند و اگر فردائی را باوردارند، پاسخ را آماده سازند".

جناح مقابل تا به تحمل تهدید آقای قمی را نداشت. از اینرو سخنران بعدی پیش از دستور مجلس ( حبیبی، نماینده قائم شهر و سوادکوه) در پاسخ وی گفت: " از ریاست محترم مجلس جدا و مصرانه و عاجزانه درخواست می کنم، اگر بنا است که جلوی حرف ما گرفته شود، باید مردود گرفته شود و اگر بنا است که حرف ها زده شود،

## برنامه حزب کمونیست

کشورها بر اساس احترام عمیق به استقلال آنها و بر پایه برابری استوار می کند. کشور شوراها از مبارزه خلق های کشورهای آزاد شده علیه سیاست نواستعماری امپریالیسم، در راه صلح و امنیت عمومی دفاع می کند.

اتحاد شوروی متحد خلق های آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین در پی کار در راه استقلال ملی است و تجاوز به استقلال دولتهای کشورهای رشدیابنده و نیز مداخله در امور داخلی آنها را محکوم می کند. اتحاد شوروی خواهان تضمین رشد مسالمت آمیز این دولتها و تأمین استقلال آنها است. اتحاد شوروی به کشورهای در حال رشد برای دستیابی به استقلال اقتصادی کمک می کند. اوج نهضت های توده ای دموکراتیک در جهان غیر سوسیالیستی یکی از ویژگی های زمان ما است و طرح رداکسیون جدید برنامه به این مسئله مهم نیز توجه دارد.

در کشورهای سرمایه داری تضاد آشتی ناپذیر میان انحصارها و اکثریت قاطع اهالی تشدید می شود. روشنفکران، کارمندان، صاحبان مزارع، نمایندگان خرده بورژوازی شهری، اقلیت های ملی، جوانان و دانشجویان هر چه بیشتر به مبارزه علیه سیادت انحصارها و نیز

اجازه بدهید مام حرف هایمان را بنویسید و بگوئیم" (اطلاعات ۱۶ آذر ۶۴).

واقعیات یاد شده حاکی از تشدید تضاد در میان جناح های حاکمیت ج.ا. است، تضادی که مثل خوره روح رژیم را می خورد و حتی " ولی فقیه" نیز قادر به خاموش ساختن شعله رو به اشتعال آن نیست. اگر این تضاد رادکنار تضاد میان توده های زحمتکش و کل حاکمیت ج.ا. قرار دهیم می شود به عمق بحرانی که رژیم ج.ا. با آن روبرو است پی برد.

## درآمد ناقابل

روزنامه کیهان به نقل از یکی از نمایندگان مجلس نوشته است: "درآمد یک میدان دار روزی ۲۵۰ هزار تومان است. وی یرتقال را کیلویی ۵ تومان از کشاورز و باغدار می خرد و آن را کیلویی ۲۰ تومان به شهروند تهرانی می فروشد (۲۲ آذر ۶۴). علت مخالفت " شورای نگهبان" و محافل ذی نفوذ حاکمیت با دخالت دولت در توزیع کالا حراست از اینگونه درآمدهای ناقابل و مشروع" است.

## یک واقعیت، یک اعتراف و یک نتیجه

در سرمقاله روزنامه ج.ا. (۲۰ آذر ۶۴) یک خبر چالب درج شده است. خبر این است: " کسی که با نام مستعار " احمد رشیدی مطلق" در دی ماه ۱۳۵۶ در اجرای دستور ساواک، آن مقاله کذابی را نوشته و در یکی از روزنامه های عصر تهران به چاپ رسانده بود ( منظور مقاله معروف علیه خمینی است ) چندی پیش طی درخواستی از وزارت ارشاد اسلامی تقاضا کرد به وی امتیاز انتشار یک نشریه داده شود". بقیه در ص ۸

## مبارزه علیه رژیم

تأمین اتحاد آنها و پیوستن عناصر نیمه پرولتاریا و نمایندگان خرده بورژوازی شهری اعم از دارندگان این یا آن ایدئولوژی و اعتقاد - به چپه متح خلق مبارزه کرد.

تردیدی نیست که پیروزی در مبارزه علیه رژیم وقتی قرین موفقیت خواهد بود که همه نیروهای مترقی انقلابی، ضد امپریالیست و میهن دوست در صف واحدی گام بردارند. با در نظر گرفتن پراکندگی میان این نیروها می توان گفت، این وظیفه پس دشواری است. آری! ولی راه دیگری وجود ندارد. آنهایی که تصور می کنند می توانند به تنهایی بر دشمنان نیرومند فایق آمد، اشتباه می کنند. تاریخ نهضت های راهی بخش مردم میهن ما پاراهائزات شوم پراکندگی نیروهای مترقی و انقلابی را به ثبوت رسانده است.

ما باید در راه اتحاد نیروها پیش برویم. در اینجا سخن بر سر دشواری وظیفه نیست، بلکه بر سر آن است که ما موظفیم و باید نیروی محرکه ضد رژیم را هر چه بیشتر گسترش دهیم و زمینه را برای سرنگونی آن آماده سازیم. در اینجا سخن به سر جنبه سیاسی عملکرد نیروهای انقلابی و جهت حرکتی است که باید متفقا در پیش گرفت. به نظر می رسد که در این زمینه اختلاف نظر اصولی میان نیروهای مترقی، انقلابی، ضد امپریالیستی و مردمی وجود نداشته باشد.

منظور ما از تاکید روی ضرورت اتحاد نیروها، جلوگیری از اشتباهاتی است که می تواند برای توده های میلیونی زحمتکشان سرنویشت ساز به باشد. باید از درس های گذشته پند گرفت.

خود را در جهان مستقر ساخته و سیستم فرسوده استعمار سرمایه داری را به بشریت تحمیل کند. امپریالیسم (در صورت امکان حتی با توسل به نیروی نظامی) درصد از بین بردن شرایط تحولات ضد امپریالیستی در کشورهای رشدیابنده است و می کوشد نهضت های مترقی و دموکراتیک را تضعیف کند. امپریالیسم پراندازی دولت هایی را که سمت گیری سوسیالیستی را انتخاب کرده اند، هدف خود قرار داده است.

امپریالیسم برای دستیابی به این هدف ها از کلیه شیوه ها و حربه ها بهره می گیرد. نقش عمده در اجرای این سیاست عمیقاً ارتجاعی را ایالات متحده آمریکا به عهده دارد که بشریت را با جنگ هسته ای تهدید می کند. ولی اتحاد شوروی و جامعه کشورهای سوسیالیستی سد عظیمی در مقابل این سیاست ضد بشری امپریالیسم هستند.

در طرح رداکسیون جدید برنامه گفته می شود که ضرورت محتوم جنگ وجود ندارد. جلوگیری از جنگ هسته ای و نجات بشریت از فاجعه امکان پذیر است.

طرح رداکسیون جدید برنامه حزب کمونیست اتحاد شوروی پاریدگر به ثبوت می رساند که آینده از آن سوسیالیسم و سیاست صلح، همزیستی مسالمت آمیز و پیشرفت اجتماعی است.

سیاست ارتجاعی هیئت های حاکمه خود، کشیده می شوند. این نهضت که چارچوب وسیعی از مسایل حاد جامعه را در بر می گیرد، به طور عینی علیه سیاست محافل ارتجاعی امپریالیستی است و به پیکار عمومی مبارزه خلق ها در راه ترقی اجتماعی، منتهی می گردد.

سوسیالیسم از طریق دستاوردهای اجتماعی - اقتصادی به سیر تاریخ تاثیر می گذارد. کمونیست ها برآنند که تضادهای سیاسی، اقتصادی و ایدئولوژیک را نمی توان با توسل به نیروی نظامی حل کرد. به همین سبب در طرح رداکسیون جدید برنامه حزب کمونیست اتحاد شوروی تصریح می شود که "سوسیالیسم برتری خود را نه با نیروی اسلحه، بلکه با تهدیل شدن به نیروی نمونه در کلیه عرصه های حیات اجتماعی - از طریق رشد پیویای اقتصادی، علمی، فرهنگی، بالا بردن سطح زندگی زحمتکشان و تعمیق دموکراسی سوسیالیستی، به ثبوت می رساند".

در برخورد امپریالیسم با جهان سوسیالیستی دو خط به چشم می خورد. شناسایی ضرورت همزیستی مسالمت آمیز (کرچه به اچار) و تشنج زدایی از سویی و تکیه بر مقابله سیاسی و "تضعیف اقتصادی" سوسیالیسم.

امپریالیسم هدف تضعیف مواضع سوسیالیسم واقعا موجود را تعقیب می کند تا پدیدسان سیادت

## وحشت سران رژیم از چیست؟

### به مامی نویسنند

اعمال سختگیری و فشار در مورد  
چنگ زدگان ایلامی

پس از سخنرانی وزیر جهاد سازندگی در ایلام و فراخواندن چنگ زدگان این شهر، چنگ زدگان ایلامی اسکان یافته در اردوی قائم شهر که بالغ بر ده هزار نفر می شوند مورد فشار و سختگیری عوامل رژیم قرار گرفته اند. مسئولان می گویند تا با عدم ارائه خدمات و سرباززدن از تامین نیازها، چنگ زدگان را وادار به بازگشت کنند. در حالی که ایلام هنوز سیمای یک شهر ویران چنگ زده را دارد. بخش مهمی از مراکز کار و تولید در این شهر تعطیل شده اند. اکثر نهادها و ادارات دولتی به چادرها انتقال یافته اند و باقی مانده مردم به وضع رقت باری پی آن که از بهداشت و امکانات لازم برخوردار باشند، در چادرهای محقر زندگی می کنند.

### مرگ ۸۰ کودک مهتلا به وها

در فاصله مرداد و شهریور ماه ۶۶، ۸۰ کودک مهتلا به وها در بیمارستان شهدای تهریز ( رازی سابق ) جان سپردند. با زرسی که برای بررسی این مسئله به مرکز استان آذربایجان شرقی آمده بود، علت مرگ کودکان را فقدان سرم مخصوص و استفاده از دیگر سرم ها - آن هم به مقدار خیلی کم - که در بهبود حال بیماران و بایبی تأثیری ندارد، اعلام کرد. مرگ و میر بیماران و بایبی تنها محدود به تهریز نمی شود و در دیگر شهرهای آذربایجان شرقی نیز رواج دارد، باید خاطر نشان ساخت که خبر مرگ و میر ونازدگان در روزنامه های مجاز کشور منعکس نشده است.

### شیشه کمیاب شد

اخیرا به دلیل کمبود ارز جلوی واردات شیشه به کشور گرفته شده و چون بیش از ۵۰ درصد مصرف کشور از طریق تولید داخلی تامین نمی شود، این مسئله سبب کمیابی و گرانی شیشه شده است.

خامنه ای تبلیغ می کند که " اگر ما نتوانیم یک انقلاب فرهنگی را در اعماق روح و دل مردم بوجود آوریم هیچ تحول بنیادی دیگری در جامعه بوجود نخواهد آمد، اساس و پایه همه اینها عهده داری از این است که ما یک تحول بنیادی فرهنگی بوجود بیاوریم ". آیا طرح چنین مسائلی نه به معنای شیپور را از سر گشاد آن زدن و ایجاد انحراف در مبارزه مردم است ؟ پاسخ مردم پوزخند به رژیم و ادامه مبارزه با امپریالیسم و پایگاههای داخلی آن ، در راه صلح ، دموکراسی، عدالت اجتماعی و سرنگونی رژیم است، مسئله ای که لرزه بر پشت سردمداران ج.ا. انداخته است.

چهره نشان می دهد و روزنامه های کشور نه عامل پیدایش آن ، که منعکس کننده گوشه هایی از آن هستند.

امروزه غارتگران و زالوهای اجتماعی زیر لوای " شرع " و " اسلام " و تحت حمایت مستقیم رژیم، شیره جان مردم را می مکند و بحران اقتصادی، چنگ، بیکاری، گرانی، کمبود درآمد، هزینه های سرسام آور و کمر شکن تامین معاش و بهداشت و مسکن همچنین رشوه خواری در دستگاههای دولتی، گسترش اعتیاد، فحشاء و دیگر مفاسد اجتماعی، امان مردم را بریده است. تضادهای طبقاتی بهایی رسیده است که سرمایه نویس اطلاعات به عنوان مشت نمونه خروار می نویسد: " کشاورزان ما به تعبیر خودشان در میان مار و عقرب و پشه و سرما و گرما و غربت و رنج، خیار و هندوانه می کارند، می بینند عمرشان تمام شد ، خودش مانده و دستهایی که مثل زمین قاچ قاچ است و زمخت و یک بیل و قرض و نداشتن . آقایی هم کنار میزی نشسته و روزی سیصد تا چهارصد هزار تومان درآمد دارد. سلطان میدان و میوه است. بعداً اگر هم سروکار این دونفر ، آن کشاورز و آن بارفروش به داد گستری و قانون ببفتند، و کبلی که قانون می داند و کبیل کدام می شود؟ کشاورزی پاره رهنه که حرف یومیه اش را نمی تواند بزند و یا بارفروشی که پول و قانون پارومی کند؟ " (اطلاعات ۸۸ تان).

روزنامه "اطلاعات" به درستی عدالت اجتماعی را " شرط لازم بقای انقلاب " می نامد و آنچه که سران ج.ا. و از جمله خامنه ای را پرافروخته می سازد و آن را بزرگ کردن " مسائل کوچک "، انداختن " خطوط " به جان هم و پُرانگیخته کردن " آنها و " هتاکی در مقابل هم " قلمداد می کند، ریشه در همین واقعیت دارد: عدالت اجتماعی مسئله ای است که ج.ا. در پاسخ گلتن به آن ناتوان است. امروزه زحمتکشان کشور که بارها و بارها در شعارهای توخالی سران رژیم ، سخن از بوسه زدن پیامبر بردستهای کارگران و دهقانان را شنیده اند، با طرح خواستهای حق طلبانه خود رژیم را در بن بست قرار داده اند. اما سران مرتجع ج.ا. همچنان مثل کبک سر در پرف کرده اند و به فلسفه پافی های همیشگی خود ادامه می دهند.

خامنه ای وعده نسبی می دهد و برای ایجاد انحراف در مبارزه مردم حل بحران عمیق و همه جانبه اجتماعی - اقتصادی کنونی را در گرو بیان " حقایق خدایسندانه " ( و در واقع مورد پسند و دلخواه غارتگران اجتماعی ) و " انقلاب حقیقی فرهنگی " می داند. این " انقلاب فرهنگی " و در حقیقت فرهنگ ستیزی که مظاهر آن را به کرات در جامعه دیده ایم و تجربه کرده ایم، در حقیقت تلاش سالوسانه ای برای تحکیم پایه های نظام تئوکراتیک در جهت تامین منافع کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان است و طبعی است که مردم زیر بار آن نخواهند رفت .

با گزینش مجدد موسوی به عنوان نخست وزیر، معرفی کابینه وی و پادرمیانی " ولی فقیه " در آشتی دادن جناحها، ظاهراً میاهو تا اندازه ای هروکش کرده و طرفین درگیر، آتش بس داده اند. اما این درگیریهای درونی حاکمیت که انعکاسی از خواستها و فشار افکار عمومی و ناتوانی رژیم در اداره امورات ، کماکان ادامه دارد و مانند آتش زیر خاکستر وحشت و اضطراب سران ج.ا. را تشدید می کند.

در چنین جوی ، خامنه ای در سخنرانی نماز جمعه خود، خطر از دست دادن " وحدت و انسجام و یکپارچگی " در حاکمیت را گوشزد می کند و روزنامه ها و رادیو و تلویزیون را از طرح " مسائل اختلاف برانگیز " بر حذر می دارد. وی برای سرپوش نهادن بر واقعیتهای ملموس ناراضی مردم و عدم اعتماد افکار عمومی به رژیم ، از رسانه های گروهی می خواهد تا " کوشش کنند مسائلی را که مردم را در مقابل هم قرار می دهد، قشورها را در مقابل هم قرار می دهد، افکار و سلیقه ها را در مقابل هم قرار می دهد، بین آنها ایجاد کینه می کند و آنها را نسبت به هم حساس می کند، از این چیزها جداً اجتناب کنند ". حتی کار او به تهدید می کشد و از مسئولین می طلبد که " این حرکتها اگر از جایی دیده شد قاطعاً برخورد کنند " ( روزنامه جمهوری اسلامی یکم آبان ).

در حقیقت خامنه ای مطبوعات مجاز کشور را نیز به دلیل طرح گوشه ای از حقایق تو بیخ و سرزنش می کند. پس وظائف مطبوعات چیست ؟ خامنه ای می گوید: " باید دقت کنیم هر آنچه را که همه خوششان می آید نگوئیم، بلکه رسالت عاملان الهی این است که حقایقی که خدایسندانه است را نیز بگوئیم، اگر چه ممکن است افکار عمومی از حقیقت خوش نباید ". به عقیده رئیس جمهوری اسلامی تنها در چنین چارچوبی است که مطبوعات و رسانه های گروهی " باید لازمه های انقلاب را تشخیص بدهند و فعالیتهای خود را روی آن متمرکز کنند ". این " حقایق خدایسندانه " که خامنه ای از آن سخن می گوید، چیستند؟ و معیار تشخیص " لازمه های انقلاب " اگر نه پیروی از خواست توده های مردم در جهت تحقق عدالت اجتماعی است ، پس چیست ؟ آیا حقیقت را مردم بهتر تشخیص می دهند یا کسانی امثال خامنه ای که علا رودر روی مردم قرار گرفته اند و آنها را به یاد استهزاء می گیرند؟ امروز دیگر همه می دانند ، این خامنه ای و امثال او هستند که از حقیقت رویگردان شده اند و چون موجودیت خود را در خطر می بینند با حمله ها و ترفندهای گونه گون می کوشند تا موج رو به گسترش جنبش انقلابی کشور را منحرف ساخته و یا از حرکت بازدارند. " کینه " ای که خامنه ای از آن وحشت دارد، در واقع همان کینه طبقاتی است که روزه روزه بطور ملموس تر از اعماق جامعه برمی خیزد و

## پنجمین شماره مجله "مسائل بین المللی"

## منتشر شد

در این شماره مجله "مسائل بین المللی" مقالات و مطالب گوناگونی به چاپ رسیده که مهمترین آنها عبارتند از: مقاله دبیرتر استانیشف، دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست بلغارستان، تحت عنوان "مسئولیت ملی و انترناسیونالیسم کمونیست ها"، مقاله حیدر کوتلو، دبیرکل حزب کمونیست ترکیه، تحت عنوان "برای ایجاد پل حسن همجواری" و مقاله روبرت شتایگر والد، عضو رهبری حزب کمونیست آلمان، با عنوان "درباره تغییراتی که در سیستم کار پیدا کرده است".

علاوه بر اینها مقاله محمد ابراهیم نقوده، دبیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست سودان، نیز در این شماره به چاپ رسیده که خوانندگان مجله را با اوضاع اجتماعی - سیاسی سودان، پس از قیام مسلح مارس سال ۱۹۸۵ و وظائف کمونیست های سودان در دوران پس از سقوط رژیم نپیری آشنای می کند.

در ضمن ما توجه خوانندگان را به شرحی که دریاخ یکی از خوانندگان مجله "مسائل صلح و سوسیالیسم" در این شماره تحت عنوان "اتحاد شوروی در نقطه مقابل نقشه های مپلیتاریزه کردن فضای کیهانی چه ارائه می کند" به چاپ رسیده، جلب می کنیم.

## به مامی نویسنده

## برخوردهای لفظی در مسیبرهای کوهستانی

در مسیبرهای کوهستانی شیرانات پاسداران حتی نوارهای موسیقی مجاز (از قبیل سمفونی ها و دیگر آثار کلاسیک) را ضبط کرده و از بین می برند. اخیرا گروه هایی از جوانان که در حال کوهنوردی موسیقی گوش می کردند، مورد هجوم قرار گرفتند. اما برخلاف انتظار پاسداران کار به مقابله و برخوردهای شدید لفظی کشیده شد. نظائر این صحنه ها به کرات در جاده های کوهستانی دیده می شود.

## بیاموزیم، تبلیغ \*\*\*

بقیه از ص ۴

در محیط توجیه به ظاهر منطق پسندان داشته باشد. مثلا اگر تحت پوشش یک شرکت به کار مخفی سرگرم هستید، حتما باید تیپ مناسبی برای خود بسازید و در عین حال پیرامون امور فنی و اداری آن رشته از کار خود اطلاع کافی و ضرور را داشته باشید تا در مقابل مراجعه کنندگان بتوانید برخورد طبیعی و حساب شده و خونسردانه ای از خود نشان دهید.

انقلاب، منبع لایزال پیروزی آن درست در همین سازماندهی توده های مپلهونی زحمتکشان نهفته است".

تشکل و سازماندهی توده های زحمتکش آیا بدون افشاگری مستمر سیاسی ممکن است؟ اشتباه آن زمانی بود که افشاگری سیاسی خود به هدفی تبدیل شود و نه وسیله ای در خدمت سرنگونی رژیم استبداد قرون وسطایی کنونی. اکنون باید تمام وسایل را در خدمت این امر گرفت و لحظه ای از آن غفلت نکرد. پیروزی ما بستگی زیادی به این امر دارد که سرنگونی رژیم را از نظر دور نداریم و راه حل های سازشکارانه ای را که از سوی نیروهای اپوزیسیون بورژوازی پیشنهاد می شود با شکست مواجه سازیم. رژیم کنونی به هیچ وجه قابل استحاله مثبت نیست. موجودیت این رژیم به مضمون و شبهه های ارتجاعی قرون وسطایی آن وابسته است و بدون آن لحظه ای نیز قادر به ادامه حیات نیست.

نتیجه ای که می شود از این واقعیت و اعتراف گرفت این است که رژیم ج.ا. با عدول از آماج های انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی بهمین ۵۷ و با درپیش گرفتن راه دفاع از منافع آزمندان کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان و وابستگی استقلال شکن به امپریالیسم و تعقیب و پیگرد و آزار نیروهای مترقی و زندانی کردن و اعدام بسیاری از آنها، در اساس همان سیاست سال های سیاه قبل از انقلاب را درپیش گرفته است لذا چسارت و درخواست آقای "رشیدی مطلق" برای انتشار نشریه نه تنها حیرت انگیز نیست بلکه کاملا منطقی است.

عقاید و نظرات خود بهره مند خواهند شد. در این کمیته تدارک نماینده شورای صلح ایران نیز شرکت داشت و مواضع سازمان خود را درباره مسایل صلح و جنگ و مشخصات کنگره جهانی صلح بیان داشت. نماینده ایران با استفاده از فرصت درباره جنگ هلاکت بار میان ایران و عراق که ششمین سال خود را می گذراند صحبت کرد و توجه داد که مذاکره درباره این جنگ و کوشش برای ختم آن باید در دستور مذاکرات کنگره جهانی صلح قرار گیرد.

## شادباش

قشری نسبت به عقاید مذهبی و آداب و رسومشان رنج می برند شادباش می گوئیم. با این امید که در سال نو همه ایرانیان زحمتکش اعم از مذهبی و دگر اندیش با اتحاد سازنده خویش در راه براندازی این نکبت عظیم به پیروزی های چشمگیر دست یابند.

## بازهم درباره افشاگری سیاسی

بقیه از ص ۲

چیز دیگری جز تشدید افشاگری سیاسی و کوشش برای جهت دادن نتایج آن نیست. افشاگری سیاسی یعنی افشاندن پذیری است که حامل آن را باید در رویگردانی هرچه گسترده تر مردم از رژیم و پیوستن آن به صف نیروهای فعال اپوزیسیون دید. لنین در سخنرانی یادبود سوردلف، در ۱۸ ماه مارس ۱۹۱۹ تاکید کرد که پرولتاریای روس نمی تواند بدون اعمال قهرآمیز پیروز شود. وی خاطرنشان ساخت که: "اما شکی در این هم نیست که قهر انقلابی تنها در مراحل معینی از تکامل انقلاب، تنها تحت شرایط معین و ویژه ای شبهه ضرور و قانونمند انقلاب بود، در حالیکه سازماندهی توده های پرولتر، تشکل زحمتکشان، خصلت اساسی تر و ثابت تر این انقلاب و شرط پیروزی آن بوده و هست. بهترین شرایط تکامل

## در حاشیه رویدادها

بقیه از ص ۶

سرمقاله نویس پس از ذکر این واقعیت اعتراف می کند که علت این چسارت آقای "رشیدی مطلق" مساعد شدن زمینه به نفع "طاغوتی ها" است. وی در این رابطه می نویسد: "بدین ترتیب، نباید در این واقعیت ذره ای تردید کرد که متاسفانه ارزش های طاغوتی دارند دوباره جان می گیرند. پس باید به این نکته دقیقا توجه شود که در دوسه سال اخیر چه حرکت هایی از ما سرزده که زمینه را برای احیای ارزش های طاغوتی فراهم کرده است".

## شرکت شورای ملی صلح

بقیه از ص ۱

نکته ای که شرکت کنندگان در کمیته تدارک درباره آن توافق نظر داشتند این بود که این کنگره با شرکت هرچه وسیع تر سازمان های صلح و شخصیت های صلحدوست جهان، دارای عقاید گوناگون سیاسی و وابستگی های مذهبی، و ایدئولوژیک تشکیل خواهد شد و عموم شرکت کنندگان مانند همیشه از آزادی کامل، در بیان

فرارسیدن سال نو میلادی را به مسیحیان جهان ویژه به هم میهنان ارمنی و آسوری که از یک سو مانند دیگر شهروندان ایران زیر بار سنگین پیامدهای اقتصادی و اجتماعی یک نظام قرون وسطایی جانشان به لب رسیده، و از سوی دیگر از تضییقات چنایتکارانه و چه بسا اهلپانه ارتجاع

برای آزادی زندانیان سیاسی مبارزه خود را

تشدید کنیم!

NAMEH  
MARDOM  
No.: 83P.B. 49034  
10028 Stockholm 49  
Sweden

2 January 1986